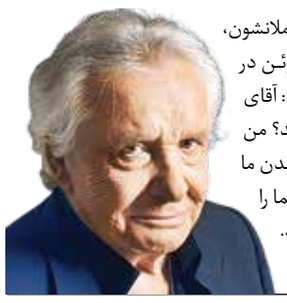
خبر

خواننده مشهور تهدید کرد

از فرانسه می‌روم

میشل ساردو، هنرپیشه، خواننده و ترانه‌سرای مشهور اهل فرانسه است. وی از سال ۱۹۶۵ میلادی تاکنون مشغول فعالیت بوده‌است. او از نوادگان ویکتورین ساردو، نمایشنامه‌نویس فرانسوی و برنده جوایزی چون «هنرمند مرد سال» (۱۹۹۱)، «ترانه برگزیده سال» (۱۹۸۷)، «پربیننده‌ترین هنرمند» (سال‌های ۱۹۹۰ و ۱۹۹۹) و همچنین برنده مدال لژیون دونور است.

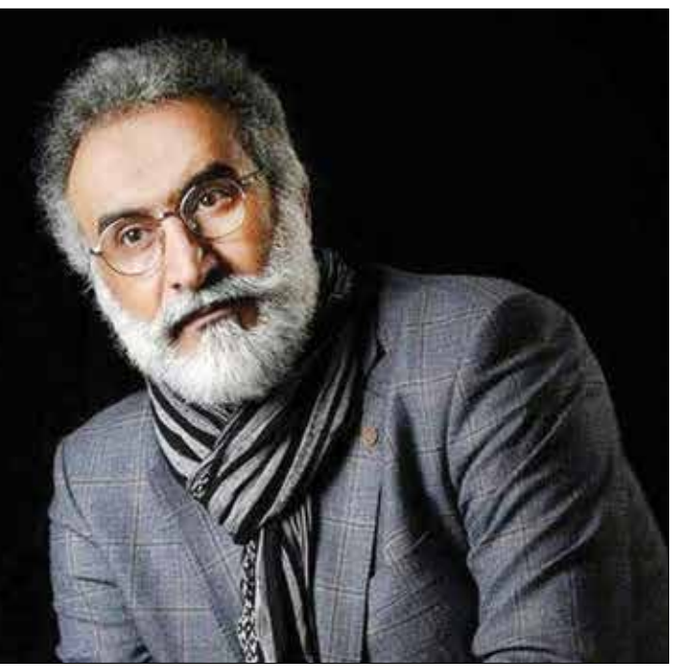
او که به رک‌گویی مشهور است به‌تازگی با مجله پاری مچ گفت‌وگویی انجام داده که در آن به موضوعات سیاسی کشورش پرداخته است. خواننده فرانسوی که تاکنون بیش از ۱۰۰ میلیون نسخه از ترانه‌هایش فروخته شده است درباره چپ افراطی فرانسه نیز چنین نظر داد: (ژان لوک) ملانشون (سیاستمدار چپ فرانسوی که خواهان کنار کشیدن فرانسه از ناتو است) همیشه زیاده‌روی می‌کند. حالا هم تصمیم دارد نخست‌وزیر شود، آگاه باشید، اگر او نخست‌وزیر شود، من از این کشور می‌روم. ساردو این سخنان را در حالی مطرح کرده است که به‌تازگی الیزابت بورن به‌عنوان نخست‌وزیر فرانسه معرفی شده است. ژان لوک ملانشون، رئیس حزب «فرانسه تسلیم‌ناپذیر» دوم ژوئن در توییتر خود به سخنان ساردو چنین پاسخ داد: آقای میشل ساردو به من اجازه گفت‌وگو می‌دهید؟ من می‌خواهم شما را متقاعد کنم که با برنده شدن ما در فرانسه بمانید، بسیاری از مردم فرانسه شما را دوست دارند و کشور نیز به محبت شما نیاز دارد.



مصاحبه

گفت‌وگوی «جام جم» با حمیدرضا نعیمی نمایشنامه‌نویس، بازیگر و کارگردان:

تئاتر همچنان نیازمند یارانه است



صبا کریمی
روزنامه‌نگار

مدیرکل هنرهای نمایشی کشور طی روزهای اخیر و در حاشیه دیدار با مدیران ستاد اجرایی جشنواره بین‌المللی تئاتر کودک و نوجوان تاکید کرده تئاتر باید در سبد فرهنگی خانواده‌ها قرار بگیرد، البته اشاره‌ای به سازوکارهای این پیشنهاد ارزشمند نکرده است. با این حال اما تئاتر که همیشه به‌عنوان هنری مهجور و کم‌برخوردار از حمایت‌های دولتی بوده، در دو سال گذشته زیر بار سنگین کرونا کمر خم کرده و شرایط مساعدی ندارد. این در حالی است که جذب مخاطبان به تئاتر، نیازمند حمایت‌های دولتی از گروه‌های نمایش، افزایش سالن‌ها و بهبود زیرساخت‌هاست.

حمیدرضا نعیمی، نمایشنامه‌نویس، بازیگر و کارگردان شناخته‌شده تئاتر معتقد است هنرهای نمایشی مخاطب خاص خودش را دارد و باید برای آنها برنامه‌ریزی هدفمند کرد. او می‌گوید: اساسا مخاطب تئاتر، مخاطب خاص است، در همه جای دنیا خیلی‌ها پول و وقت دیدن تئاتر را نداشته یا علاقه‌ای ندارند مخاطب هنرهای اندیشه‌ورز باشند.

به گفته نعیمی، اگر فکر می‌کنید در کشورهایی مانند انگلیس و آلمان همه تئاتر می‌بینند، تصور غلطی است. عده‌ای علاقه‌مندند آثار گوته، شیلر، شکسپیر را ببینند؛ همه مردم به سالن‌های تئاتر نمی‌روند و تلویزیون را ترجیح می‌دهند زیرا یک رسانه عامه‌پسند است و هزینه ناچیزی هم دارد اما برای دیدن تئاتر باید از تفریحات دیگر صرف‌نظر کرد زیرا تئاتر در همه جا هنر گرانی است.

این کارگردان برجسته می‌افزاید: زمانی که، بلیت تئاتر گران بود اما مردم از آن استقبال می‌کردند و خوشبختانه من هم در آن دوران نمایش‌هایی مانند سقراط، شوایک، فاوست و ریچارد را روی صحنه داشتم و می‌دیدم مردم از پرداخت این مبلغ ناراحت نیستند، به‌رغم این‌که مطمئنم همه قدرت خرید یک بلیت صدهزارتومانی را نداشتند اما ارزش کار فرهنگی و اندیشمندانه را می‌دانستند و برای آن هزینه می‌کردند.

وی شعار «تئاتر برای همه» را یک شعار دهان‌پرکن و مشخصا ژورنالیستی می‌داند و تصریح می‌کند: تئاتر نمی‌تواند برای همه باشد چون باید برای آن هزینه صرف شود اما آیا در کشور ما یک خانواده کارگر، کارمند، معلم و به‌طور کلی طبقه متوسط به پایین برای تئاتر هزینه می‌کند؟ همان‌طور که اشاره کردم تئاتر برای بخش محدودی از جامعه است اما آیا برای همان تعداد محدود هم به‌درستی قدم برداشته‌ایم؟ آیا آرامش نسبی هنرمند تئاتر، از نویسنده و کارگردان تا بازیگر و طراحان و دیگر عوامل تامین شده است؟ بی‌اغراق هنرمندان سخت کار می‌کنند، با نمایش‌هایشان هم سرگرم می‌کنند و هم آگاهی می‌بخشند، با مسؤولان وارد گفت‌وگو و چالش می‌شوند تا جامعه خوبی داشته باشیم اما وظیفه دولت در قبال این نمایشگران و تماشاگران خاص آنها کجاست؟ متاسفانه در کشور ما نه‌تنها ساخت‌وساز سالم و استانداردی برای تئاتر اتفاق نمی‌افتد بلکه برای هرآنچه هم که وجود دارد برنامه‌ریزی و مدیریتی صورت نمی‌گیرد. پس از انقلاب نه‌تنها به سمت ایجاد سالن‌های تئاتر و موسیقی اپرا نرفتیم بلکه همان سالن‌هایی را که فرسوده شدند، به‌درستی بازسازی نکردند.

این نویسنده و کارگردان تئاتر عنوان می‌کند: بخشی از وظایف دولت‌ها در دنیا حمایت از تئاتر دولتی است. (در دوران کرونا در همین کشور همسایه یعنی ترکیه بپرسید که دولت به غیر از تئاترهای دولتی به تئاترهای خصوصی در زمان تعطیلات چه تسهیلات و بودجه‌هایی اختصاص داد) حال ببینیم که در کشورهای دارای برنامه و مدیریت، دولت در مقابل تئاتر خصوصی چگونه انجام‌وظیفه می‌کند. در این کشورها نه‌تنها تئاتر خصوصی به دام ابتذال نمی‌افتد بلکه تماشاگر به قدری از نظر فکر و سلیقه پرورش و ارتقا داده شده که آثار فرهیخته و متعالی‌اش را هم در این تئاترها پیدا می‌کند. در کشور آلمان، تماشاگران گاه از شش ماه قبل برنامه‌ریزی می‌کنند که بلیت نمایش «ریچارد دوم» اثر کلاوس پایمان یا نمایش «فاوست» را با کارگردانی پیتر اشتاین پیش خرید و تهیه کنند.

نعیمی این سوال را مطرح می‌کند که آیا ذهن، روح و تن فرزندان ما در مدارس به‌درستی پرورش داده می‌شود. آیا مدارس آنها را برای تماشای تئاتر به کانون‌های پرورش فکری کودکان و نوجوانان می‌برند، آیا از گروه‌های نمایشی دعوت می‌کنند تا هر هفته برای بچه‌ها در آمفی‌تئاتر مدرسه‌ها نمایش اجرا کنند؟ خیر!

دولت باید یارانه تماشاگر اندیشمند را بدهد

وی با بیان این‌که اساسا در کشور ما برنامه‌ای برای آشنایی و علاقه‌مند کردن مردم با هنر نمایش و تئاتر وجود ندارد، تصریح می‌کند: دولت، وزارت ارشاد، معاونت هنری و اداره کل هنرهای نمایشی نه‌تنها باید در جهت تربیت مخاطب برای تئاتر تلاش کنند که باید سوبسید این تماشاگر اندیشمند را بدهند و برایش هزینه کنند. نعیمی تاکید می‌کند: در حال حاضر مساله ما تعداد تماشاگر نیست بلکه اعمال سلایق بر نمایشنامه‌های ایرانی است؛ نمایشنامه‌هایی که مساله‌مند و معترض و نسبت به اوضاع اجتماعی و سیاسی منتقد هستند. دولت باید به گروه‌های تئاتر پول بدهد و به آنها بگوید که تن به اجرای نمایش‌های عامه‌پسند ندهند و تئاترهای خوب روی صحنه ببرند حتی اگر تماشاگر کمی این نمایش‌ها را ببینند. وقتی من به عنوان درام‌نویس، کارگردان، بازیگر و... نتوانم از طریق هنرم ارتزاق کنم و پشتیبانی دولت را نداشته باشم چطور باید تماشاگر را به صحنه تئاتر بکشانم؟ جز از طریق کارهایی که ممکن است به سمت ابتذال برود یا در سطح نازلی صرفا تماشاگر را بخنداند؟ متولیان فرهنگی نمی‌توانند فقط شعار بدهند، اگر تماشاگر می‌خواهند باید هزینه‌اش را هم پرداخت کنند و بودجه‌های درخور در اختیار گروه‌ها قرار بدهند.

سال‌ها پیش در تئاتر چیزی به نام قرارداد ساخت وجود داشت و یک درام‌نویس، کارگردان، بازیگر، طراح و... براساس آن حمایت می‌شد و حداقل می‌دانست کف قرارداد را به دست می‌آورد. این هنرمندان با تمام وجودشان کار می‌کردند بی‌این که استرسی داشته باشند. اما امروز بازیگر تئاتر انباردار شرکت یا راننده اسنپ است، آیا بازیگری که باید به آرامش روح و جسم‌اش بپردازد و به انعطاف، آمادگی بدنی و بیانش فکر کند باید پیک موتوری پیتزافروشی شود؟

این مدرس دانشگاه متذکر می‌شود: مسؤولانی که از کشاندن تماشاگر به سالن‌های تئاتر صحبت می‌کنند باید بگویند برای تبلیغات تئاترها با صداوسیما و سازمان زیباسازی شهرداری چه رایزنی‌هایی کرده‌اند؟ آیا خود این عزیزان برای تئاترها یک حمایت درخور و در شأن در نظر می‌گیرند؟ مسؤولان برای فرهنگ و هنر چه برنامه‌ای دارند و حاضرند برای نجات تئاتر از این وضعیت چه کاری انجام دهند؟

نعیمی با طرح این پرسش که چگونه تئاتر باید در سبد کالای فرهنگی خانواده قرار گیرد، متولیان فرهنگی را مخاطب قرار می‌دهد و می‌افزاید: به ما بگویید راهکارش چیست، آیا تئاتر باید قوی شود؟ ما هنرمندان توانمندی داریم که آثارشان از نظر تکنیکی جایگاه ارزشمندی دارد اما آیا ردیف بودجه روشن، کارآمد و مؤثر هم دارند؟ شما نمایش‌هایی را از ما بخواهید که با استانداردهای روز تئاتر دنیا همخوانی داشته باشد اما آیا شما هم از ما حمایت می‌کنید؟ شما می‌خواهید از بزی که به او علف نمی‌دهید شیر بدوشید!

چرا شفاف حرف نمی‌زنیم؟

آیا من امروز به‌راحتی می‌توانم نمایشم را روی صحنه ببرم؟ من نمایش آماده‌ای به نام «فردریک» دارم که از اداره کل هنرهای نمایشی مجوز گرفته و مطمئنم اگر شرایط جامعه امن باشد این نمایش می‌تواند در جذب تماشاگرش موفق باشد؛ دو سال است که یک تیم بزرگ، منتظر سالن تئاتر مانده اما نکته مهم‌تر این است که اگر من این نمایش را روی صحنه ببرم و به دلایل خارج از خود نمایش، تماشاگر از آن استقبال نکرد آیا باید از سوی دولت تضعیف شوم؟ در حالی که سابقه و عقبه گروه من نشان می‌دهد چقدر کارهایمان با استقبال مواجه شده اما اگر امروز تماشاگر به سالن نیامد آیا دولت باید به من خسارت بدهد یا خیر، چنان‌که اداره کل هنرهای نمایشی در دوران آقای قادر آشنا این کار را نکرد. در دوره ایشان اعلام شد تعداد بلیت‌هایی که باید فروخته شود نصف ظرفیت سالن‌ها باشد و برای آن نیم که فروخته نشده ما خسارت می‌دهیم. از ۵۷۰ صندلی در نمایش «گرگاس‌ها» ما مجاز به فروش ۲۸۵ بلیت بودیم و پس از ۳۳ شب اجرا، اداره کل مرکز هنرهای نمایشی و انجمن هنرهای نمایشی، ۲۸ میلیون تومان به ما خسارت دادند. حالا بفرمایید چطور باید ۲۸ میلیون را بین ۳۵ نفر اعضای گروه تقسیم کنیم و به آنها بگویم این خسارتی است که برای شما بعد از سه ماه تمرین و ۳۳ شب اجرا در نظر گرفته شده‌است. چه کسی باید جوابگو باشد، چرا رودررو و شفاف با یکدیگر حرف نمی‌زنیم و فقط شعار می‌دهیم؟

یادداشت

انقلاب روحا... را هنرمندانه تبیین کنیم



کوروش زارعی
مدیرمرکز هنرهای نمایشی حوزه هنری

انقلاب اسلامی ایران به رهبری حضرت امام خمینی بیش از آن‌که تحولی سیاسی باشد، کاملا فرهنگی است. انقلابی فرهنگی که علاوه بر ریشه‌های اعتقادی در فرهنگ و انتقاد از فرهنگ مهاجم غرب و شکل‌گیری قطب فرهنگی در ایران دارای رهبری اعتقادی بود. رهبری که اعتقاد به او در طول اطاعت از امام زمان(عج) قرار داشت و اطاعت از امام زمان(عج) اطاعت از دین خدا و همه اینها ریشه در فرهنگ دارد. پس رهبری چنین جامعه‌ای با همچنین صبغه ایدئولوژیکی و جنبشی کاملا فرهنگی نیازمند به رهبری فرهنگ‌ساز داشت. به من باشد امام روحا... خمینی(ره) را بیش از آن‌که تسخیرکننده اندیشه‌ها بدانم، فاتح قلب‌ها می‌خوانمش آنجا که همه دودوتا چهارتاهای نظامی دنیا ایران را مقلوب جنگ هشت‌ساله تخمین می‌زدند ولی کاریزمای این رهبری حاکم قلب‌ها، معادلات را به‌هم می‌زند و به‌طور مثال شاید بدون محاسبات نظامی می‌گوید حصر آبادان باید شکسته شود و جالب این است که آن حصر با فرمان قلب‌ها و تبدیل شدنش به اراده‌های راسخ می‌شکند و می‌شود آنچه که باید بشود.

روایت هنرمندانه این فرهنگ عظیم و یکدست شده وظیفه کیست؟ بله همه هنرها دخیل هستند اما هنری که می‌تواند تا حدودی حق مطلب را ادا کند و مجموع همه هنرها باشد هنرهای نمایشی است، آیا موفق بوده‌ایم؟ به‌من باشد می‌گویم در برابر آن شخصیت بزرگ و کاریزمای بی‌حد و حصرش خیر! تلاش‌هایی کرده‌ایم و کرده‌اند ولی تا به امروز متاسفانه نتوانسته‌ایم حق مطلب را ادا کنیم. نمایش‌هایی با محوریت شخصیت امام، فیلم‌ها و سریال‌هایی درخور و با کیفیت بالا کمترین کاری است که می‌شود انجام داد که متاسفانه انجام نشده است یا از کیفیت مقبول تاکنون برخوردار نبوده‌اند. معتقدم جهان غرب اگر رهبری با یک‌هزارم شخصیت امام روحا... را داشت سینما و تلویزیون‌های همه دنیا را قبضه می‌کرد. امیدوارم مسؤولان و هنرمندان ما قدر این شخصیت عظیم را بدانند و تا دیر نشده این انسان بزرگ را به نسل جوان معرفی کنند. به امید آن روز.

سینمای جهان

فیلمساز فلسطینی علیه سازمان سیا

هانی ابواسد، فیلمساز سرشناس فلسطینی برای فیلم تازه‌اش سراغ سازمان جاسوسی آمریکا سیا رفته و قصد دارد داستان زندگی یکی از ماموران جاسوس این سازمان را در درامی افشاگرانه به تصویر بکشد. فیلم با نام کنایه‌آمیز «جاسوس خوب» وارد مرحله تولید می‌شود و داستانش اختصاص دارد به زندگی و فعالیت‌های ماموری به نام رابرت آمس. فیلمنامه اقتباسی جاسوس خوب با نگاهی به داستان کتابی ساخته می‌شود که کای بیرد برنده جایزه ادبی پولیتزر آن را نوشته است. با این حال، کار نگارش فیلمنامه را نه خود نویسنده که اسکات فریزر به عهده دارد. با این وجود سازندگان فیلم اعلام کرده‌اند بیرد در تمام مراحل نگارش فیلمنامه حضور و حق اظهارنظر دارد. آنچه رابرت آمس را از بقیه جاسوسان سیا مجزا می‌کند، ارتباط آن با قضیه فلسطین و دسیسه چینی‌های آمریکایی‌ها علیه آن است. آمس به دستور سیا وارد زندگی علی حسن سلامه، یکی از مبارزان اصلی مقاومت فلسطین شد تا مدارکی علیه مقاومت جمع‌آوری و در کار آنان خلل وارد کند. مورخان از آمس به‌عنوان یکی از تاثیرگذارترین افسران اطلاعاتی سیا نام می‌برند. غرب آسیا و خاورمیانه، منطقه اصلی فعالیت‌های آمس بود و او بخش عمده فعالیت‌های جاسوسی‌اش را در این مکان انجام داد. / ورایتی

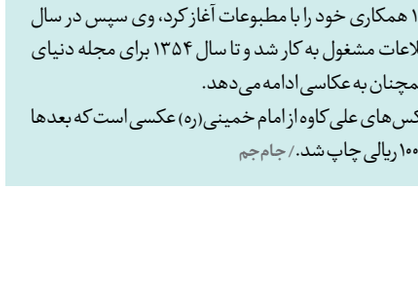
هنر خراسان بازهم عزادار شد

آرش شفاعی
دبیر گروه فرهنگ

برای هنرمندان و دوستداران فرهنگ و هنر در خراسان، مهدی صباغی، فقط یک هنرمند نام آشنا و از چهره‌های مهم تئاتر مشهد نبود، او «عمو مهدی» بود. مردی که پای همه دیگ‌های شله، نذر امام حسین (ع) حضور داشت و با صلوات‌های عاشقانه‌اش به محافل مذهبی و هنری برکت می‌داد. چهره‌ای که به واسطه هنرمندی‌اش در ارائه آثار نمایشی و دوبله‌های مشهدی در خراسان بسیار محبوب بود اما دایره هنر او به یک منطقه محدود نبود و همه کشور را در برمی‌گرفت. صباغی در شکل‌گیری بخش نمایش رادیوی خراسان نقش اساسی داشت و افراد بسیاری را برای مدیوم نمایش رادیویی تربیت کرد. همچنین یکی از بزرگ‌ترین خدمات صباغی، حفظ و اشاعه لهجه مشهدی اصیل بود. مهدی صباغی، هنرمند پیشکسوت تئاتر، سینما، رادیو و تلویزیون روز پنجشنبه پس از مدتی بیماری درگذشت. صباغی سال ۱۳۳۰ در مشهد متولد شد و از جوانی به سمت هنر کشیده شد و پس از سال‌ها حضور در عرصه نمایش، نخستین بار در فیلم «گریز از شهر» حاضر شد و پس از آن در فیلم‌های گردو، زمزمه، طوبی، تماس، سایه خیال، بازگشت قهرمان، گرگ‌های گرسنه، سلطان، راننده شخصی، صورتی، گل یخ، کافه ستاره، ستاره‌ها، عاشق، راننده تاکسی، آخرین نقش، مهتاب روی سکو، زنان ونوسی مردان مریخی، آسمان هشتم و مرز خوشبختی، ایفای نقش کرد. از مرحوم صباغی آثار ماندگاری در زمینه صداپیشگی نیز وجود دارد که از جمله آن می‌توان به مجموعه‌های رادیویی صبح جمعه با شما و کوی نشاط نام برد.

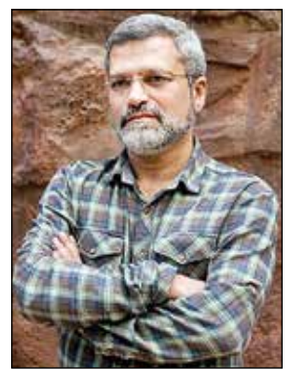
آرزویی که برآورده شد

دبیر انجمن صنفی تهیه‌کنندگان فیلم بلند مشهد با بیان خاطره‌ای، از برآورده شدن آرزوی مهدی صباغی پیش از فوتش یاد کرد. محمدرضا فرهادی نیا گفت: سال گذشته وقتی مطلع شدیم مهدی صباغی حال خوبی ندارد به اتفاق تعدادی از اعضای هیأت مدیره انجمن صنفی تهیه‌کنندگان فیلم بلند مشهد برای عیادت به منزل خواهر وی در مشهد رفتیم و در آن جلسه حول محور فیلم خیابان ارگ که آقای صباغی در آن بازی کرده بود، صحبت‌ها و خاطره‌بازی‌هایی انجام شد. وی افزود: لحظه‌ای که می‌خواستیم از آنجا خارج شویم، آقای صباغی مرا صدا زد و با صمیمیت همیشگی گفت آیا می‌شود پیش از مرگ بتوانم فیلم خیابان ارگ را در کنار دوستانم تماشا کنم؟ در آن لحظه احساسات تمام کسانی که در آنجا حضور داشتند، برانگیخته شد که مجید عسگری، مدیر حوزه هنری خراسان رضوی یکی از سالن‌های پردیس سینمایی هویزه را در اختیار ما گذاشت تا فیلم خیابان ارگ را برای استاد صباغی اکران کنیم. دبیر انجمن صنفی تهیه‌کنندگان فیلم بلند مشهد تصریح کرد: به بهانه اکران فیلم خیابان ارگ، برنامه نکوداشتی را برای شادروان صباغی تدارک دیدیم که در آن بسیاری از سینماگران و اهالی تئاتر حضور یافتند.



نمای نزدیک

ادبیات دینی به روایت کاشفی خوانساری



«آسمان و آینه» مجموعه نوشته‌های سیدعلی کاشفی خوانساری درباره ادبیات دینی کودک و نوجوان منتشر شد.

این کتاب، شامل ۱۱ مقاله، هفت نقد، ۲۰ یادداشت و دو گزارش به قلم سیدعلی کاشفی خوانساری است که طی سال‌های ۱۳۷۴ تا ۱۴۰۰ در نشریات مختلف به چاپ رسیده‌اند.

همچنین چهار نمایه مختلف ضمیمه این کتاب است. این نوشته‌ها پیشتر در نشریاتی مثل پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان، کتاب ماه کودک و نوجوان، فصلنامه نقد کتاب، گاهنامه نقد کتاب کودک، نیستان، حیات معنوی، رشد معلم، ادبیات داستانی، همشهری داستان، کتاب هفته و... منتشر شده بود.

آسمان و آینه در ۲۴۳ صفحه و با قیمت ۹۰ هزار تومان از سوی نشر خزه به چاپ رسیده‌است.

کیوشی کوروساوا در خانه هنرمندان



پانصد و چهارمین برنامه سینماتک خانه هنرمندان ایران به نمایش «سونات توکیو» ساخته کیوشی کوروساوا محصول سال ۲۰۰۸ اختصاص دارد. هشتمین جلسه مرور فیلم‌های تاریخ معاصر سینمای ژاپن در سینماتک خانه هنرمندان ایران که امروز از ساعت ۱۷ در سالن استاد شهناز این مجموعه برگزار می‌شود، به نمایش فیلم سونات توکیوی کیوشی کوروساوا اختصاص دارد. پس از نمایش فیلم، حسین عیدی‌زاده به نقد و بررسی آن می‌پردازد. در خلاصه داستان سونات توکیو آمده است: «پدر یک خانواده به علت تعدیل نیرو در شرکت، شغلش را از دست می‌دهد اما توان گفتن این موضوع را به خانواده خود ندارد. او هر روز صبح مطابق معمول از خانه خارج می‌شود و وانمود می‌کند که به شرکت می‌رود اما در واقع در جست‌وجوی کار است....» این فیلم در سومین جوایز فیلم‌های آسیایی برنده جایزه بهترین فیلم شد و توانست نامزد دریافت جایزه جوایز فیلم‌های آسیا اقیانوسیه نیز شود. همچنین در جشنواره فیلم کن در سال ۲۰۰۸ هم برنده جایزه هیات داوران شد.

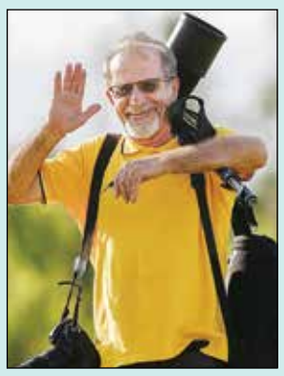
از ساماندهی تئاتر شهر، چه خبر؟



در میان انبوه وسایل پهن شده کف پیاده‌روی چهارراه ولیعصر و فروشندگان مواد مخدر، مجموعه‌ای ۴۹ ساله و تک افتاده است که نیاز به اقدامی سریع برای ساماندهی حریمش دارد و حالا محمدمهدی اسماعیلی در پیامی توییتری از مذاکره مثبت خود با علیرضا زاکانی، شهردار تهران درباره ساماندهی حریم تئاتر شهر خبر داد.

داستان هفت تیرکشی در اطراف مجموعه تئاترشهر، دستفروشان اطراف پارک دانشجو، معتادان، پاتوق و گعده‌های ناسالم در حوالی میراث فرهنگی و دزدی از مجموعه تئاتر شهر، قصه‌ای است که سر دراز دارد و درباره آن در این چند ماه صحبت‌های زیادی شده است اما این‌که در این چند ساله هر چه گفته و شنیده شده چرا به عمل تبدیل نشده است نیز خود مثنوی جداگانه‌ای است. مساله رسیدگی به حریم تئاترشهر که سال‌هاست گفته می‌شود و عملی نمی‌شود این‌بار توسط وزیر ارشاد مورد توجه قرار گرفته است. / جام جم

نمایش عکس‌های علی کاوه از امام(ره)



عکس‌های علی کاوه از امام خمینی(ره) در نمایشگاه «لحظه» در گالری تابستان خانه هنرمندان به تماشا گذاشته شده‌است.

این نمایشگاه شامل عکس‌هایی از مقاطع مختلف از زندگی امام خمینی(ره) است که تا ۲۳ خرداد (به‌جز روزهای شنبه) از ساعت ۱۶ تا ۲۰ پذیرای علاقه‌مندان است.

افتتاحیه نمایشگاه لحظه که شامل ۱۴ فریم عکس است، روز جمعه ۱۳ خرداد برگزار شد.

علی کاوه از سال ۱۳۴۰ همکاری خود را با مطبوعات آغاز کرد، وی سپس در سال ۱۳۴۷ در موسسه اطلاعات مشغول به کار شد و تا سال ۱۳۵۴ برای مجله دنیای ورزش عکاسی کرد و همچنان به عکاسی ادامه می‌دهد.

یکی از ماندگارترین عکس‌های علی کاوه از امام خمینی(ره) عکسی است که بعدها روی اسکناس‌های ۱۰۰۰۰ ریالی چاپ شد. / جام جم